



۲۰۱۶/۰۵/۰۹



محمد نسیم اسپر  
ملک الشعراء افغان ها در غربت

## به بارگاه مادر

مادر ای مادر من سرور و افسر من  
همچو تاج سر من مادر ای مادر من  
تو به من شیرۀ جانت دادی  
هم به من نام و نشانت دادی  
حرف شیرین ز زبانت دادی

\*\* \* \*\*



### عشق مادر

ای دل و دلبر من دل و جان پرور من  
کان سیم و زر من مادر ای مادر من  
پهلوی بستر من خوابیدی  
گریه و غم غم من بشنیدی  
پشت و پهلوی مرا ما لیدی

\*\* \* \*\*

بر سر بستر من      ای تو تاج سر من  
ای فلک منظر من      مادر ای مادر من  
روز ها ناله و گریان کردم  
سرخکان، یاتب سوزان کردم  
خاطرت سخت پریشان کردم

\*\* \* \*\*

تو بُدی بر سر من      با دو چشم تر من  
همه شب در بر من      مادر ای مادر من  
لقمه نان به دهانم کردی  
سوی مکتب تو روانم کردی  
صاحب نام و نشانم کردی



وقتی در بغل تو ام جهان در بغل من است

نام و نان آور من      گر کنی باور من  
به فدایت سر من      مادر ای مادر من  
خامی ام راتورساندی بقیام  
تا رسیدم بچنین جاه و مقام  
بکشیدم همه جا شهرت و نام

\*\* \* \*\*

با تن ابتر من      تو شدی رهبر من  
کردی زور آور من      مادر ای مادر من  
به سر و موی سپیدت قربان  
دست لرزنده چوبیدت قربان  
به تمنا و امیدت قربان

\*\* \* \*\*

ای دُر و گوهر من همچو گنج زر من  
از همه بهتر من مادر ای مادر من

من اگر پر بگشایم بپریم

یا به گردون برسد تاج سرم

پیش پای تو کم از خاک درم

\*\* \* \*\*

ای شه و شهپر من زینت دفتر من  
زیب شعر تر من مادر ای مادر من

تا مکید از سر پستان تو شیر

سر بر آورد قوی گشت ودلیر

شاعر مدح سرای تو «اسیر»

\*\* \* \*\*

ای ادب پرور من شیر من شکر من

شافع محشر من مادر ای مادر من

جنوری ۲۰۰۹

بُن المان